

پیامدهای عیب جویی از منظر قرآن کریم

فاطمه حسن پور عسکری^۱

چکیده

عیب‌جویی از خویشتن بسیار پسندیده است و از پایه‌های تکامل روحی هر فرد محسوب می‌شود؛ یعنی انسان با مشاهده‌ی خود در آینه‌ی خودشناسی و کشف عیوب و نقایص اخلاقی و برطرف کردن آنها، می‌تواند قدم مهمی در جهت رشد و تکامل خود بردارد. آن نوع عیب‌جویی که به منظور راهنمایی مردم به کارهای نیک و متوجه ساختن آنان به معایب کار خود صورت می‌گیرد، پسندیده و قابل تحسین است، اما گاهی انگیزه‌ی عیب‌جویی، تمسخر و تحقیر دیگران است که در پرتو این عمل ناشایست اخلاقی، دوستی و صداقت به دشمنی و عداوت می‌انجامد. از این نوع عیب‌جویی در قرآن نهی شده است. مقاله حاضر با هدف تبیین پیامدهای عیب جویی انسان از دیگران از منظر قرآن کریم به روش توصیفی و تحلیلی و با ابزار کتابخانه‌ای به رشته تحریر در آمده است. مهمترین یافته‌های تحقیق حاضر عبارتند از: عیب جویی تفحص و جستجوی عیوب دیگران و بیان آن عیوب در حضور یا پشت سر کسی است. عیب جویی و طعنه به مومنان یکی از ویژگی‌های جریان نفاق است. قرآن کریم پیامدهایی برای عیب جویی برشمرده که شامل دنیوی و اخروی می‌باشد. مهم‌ترین پیامدهای دنیوی ابتلا به استهزاء، ظلم به نفس، محرومیت از هدایت، قرار گرفتن در زمره فاسقان، سست شدن پایه‌های برادری و مهم‌ترین پیامدهای اخروی محرومیت از مغفرت خداوند و عذاب اخروی است.

کلیدواژه: انسان، پیامد، پیامدهای عیب‌جویی، قرآن کریم.

^۱. دانش آموخته سطح ۲، مدرسه علمیه حضرت زینب (سلام الله علیها).

مقدمه

عیب‌جویی تفحص و جست‌وجوی عیوب دیگران و بیان آن عیوب در حضور یا پشت سر کسی است. هدف عیب‌جو از نسبت دادن نقص و عیب به دیگران سرزنش، تحقیر، آبروریزی، مسخره کردن و... است. عیب‌جویی از رذایل اخلاقی و حرام است مگر توسط مظلوم درباره ستمگر. عیب‌جویی نتیجه عداوت و حسد است به این معنا که اگر کسی کینه و دشمنی دیگری را در دل داشته باشد به دنبال عیوب او می‌افتد تا آنها را پیدا کند و رسوایش سازد.

استهزاء، تمسخر، عیب‌جویی و طعنه و ریشخندزدن مؤمنان یکی دیگر ویژگی‌های جریان نفاق است. آنان در برخوردهای اجتماعی شان مؤمنان را به باد تمسخر و استهزاء گرفته و اقدام به عیب‌جویی، ریشخند زدن و توهین و تحقیر آنان می‌نمودند. قرآن کریم این ویژگی جریان نفاق را این گونه مورد اشاره قرار داده است: «يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ تُنْزَلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ قُلِ اسْتَهِزُّوا إِنَّ اللَّهَ مُخْرِجٌ مِمَّا تَحْذَرُونَ»^۱؛ منافقان از آن بیم دارند که سوره‌ای بر ضد آنان نازل گردد، و به آنها از اسرار درون قلبشان خبر دهد بگو: استهزا کنید! خداوند آنچه را از آن بیم دارید، آشکار می‌سازد.

انسان مسلمان به حکم وظیفه اسلامی، انسانی و اخلاقی موظف است در صورتی که از برادر دینی خود اشتباه و خطایی را مشاهده کرد در خفا به او تذکر دهد تا در صدد رفع آن برآید و چاره‌ای بیندیشد. در این جا نکته جالب توجه این است که قرآن مجید نمی‌گوید کسانی که فحشاء را در میان مؤمنان شایع می‌کنند اهل عذابند، بلکه می‌فرماید کسانی که دوست دارند نسبت‌های ناروا درباره مؤمنان شایع شود، اهل عذابند و این خود دلالت می‌کند بر این که آبروی مسلمان نزد خداوند بسیار محترم است و او اجازه نمی‌دهد که هر چه درباره مؤمنان گفته و شنیده می‌شود، برای دیگران بازگو گردد زیرا اگر انسان با چشم خود ببیند، کسی گناهی را انجام داده حق ندارد سرّ او را فاش کند، چه رسد به این که از دیگران شنیده و خود ندیده باشد.

^۱. توبه: ۶۴.

مقاله حاضر با هدف تبیین پیامدهای عیب جویی انسان از دیگران از منظر قرآن کریم پاسخگوی سوال زیر است:

- پیامدهای دنیوی عیب جویی انسان از دیگران از منظر قرآن کریم چیست؟

- پیامدهای اخروی عیب جویی انسان از دیگران از منظر قرآن کریم چیست؟

در زمینه عیب جویی در ضمن کتب تفسیری در کتاب‌ها و مقالات متعددی به این موضوع پرداخته شده است از جمله:

کتاب با عنوان «عیب جویی و سخن چینی آفات زبان»، نوشته مجتبی تهرانی (۱۳۹۸)، کتاب حاضر، مشتمل بر مباحث ایرادشده توسط آیت‌الله‌العظمی حاج آقا مجتبی تهرانی درباره عیب‌جویی است. ایشان در این کتاب عیب جویی را براساس آیات و روایات مورد بررسی قرار داده است.

مقاله «زمینه‌ها و عوامل عیب جویی از دیدگاه آیات قرآنی»، نوشته سارا شاکری و مرضیه شاکری (۱۳۹۷)، که نویسندگان در این مقاله به بررسی زمینه‌ها و عوامل عیب جویی از دیدگاه آیات قرآنی پرداخته‌اند. دو دسته از عوامل هستند که زمینه ساز عیب جویی انسانها از یکدیگر می باشد. دسته ی اول عوامل درونی و دسته ی دوم عوامل بیرونی محسوب می شوند.

همچنین مقاله «بایسته‌ها و نبایسته‌های عیب جویی و ستایش دیگران»؛ نوشته محمد تقی مصباح (۱۳۹۶) که نویسنده در این مقاله به شرح کلام امیرمومنان علی (علیه السلام) در خصوص صفات شیعیان می پردازد. ازجمله این صفات، ستایش دیگران است. این فقره، به بایسته‌ها و نبایسته‌های ستایش و تمجید از دیگران می پردازد. اما مقاله حاضر در صدد است به پیامدهای دنیوی و اخروی عیب جویی از منظر قرآن کریم پردازد.

۱- مفهوم عیب جویی

عیب جویی در لغت به معنی کمبود در ذات چیزی یا صفتش می باشد و در مقابل آن صحت و سلامتی است^۱ و در اصطلاح عیب پوشی نقطه مقابل تجسس و عیب جویی است و در فضیلت و

^۱. مصطفوی، التحقيق، ج ۸، ص ۲۷۰.

شرافت آن همین بس که یکی از اوصاف خدای سبحان است. عیب جویی یعنی جستجو و پی گیری برای یافتن عیب و لغزش در دیگران به منظور پرده دری و افشای اسرار آن ها.^۱ این عمل خود به طور مستقیم نقشی در تحقیر دیگران ندارد، ولی مقدمه ای برای تحقیر است. عیب جویی مقدمه ای برای استهزا و سرزنش دیگران است که آن ها از مصداق های تحقیر می باشند.^۲

۲- پیامدهای عیب جویی انسان از دیگران از منظر قرآن کریم

عیب جویی و غیبت از دیگران از صفات مذموم و ناپسند است که در شرع مقدس اسلام حرام شمرده شده است و معنای غیبت و عیب جویی از دیگران این است که انسان به بیان نقاط ضعف و معایب دیگران پیش افراد بپردازد؛ یعنی این که عیب شخصی را نزد دیگران بیان کردن و افشا نمودن و بیان این عیوب به طوری باشد که اگر شخص غیبت شده بشنود، ناراحت می شود.^۳ قرآن کریم پیامدهایی را برای عیب جویی انسان از دیگران بر شمرده است که عبارتند از:

۱-۲- ابتلا به استهزای خدا

معنای استهزای خداوند تخطئه منافقان است؛ خدا منافقان را در این عمل نفاق و استهزای ایشان نسبت به مؤمنان تخطئه کرده و آنان را نادان و جاهل می داند و عرب هر چه را با چیز دیگری همراه و نزدیک باشد به همان نام می نامد، بدین رو تخطئه نیز استهزا نامیده می شود.^۴

قرآن کریم یکی از پیامدهای پیامد عیب جویی منافقان از مؤمنان را استهزای الهی دانسته : « الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ^۵ » ؛ کسانی که بر مؤمنانی که از روی میل، صدقات می دهند، عیب می گیرند، و از

^۱ . نراقی، علم اخلاق اسلامی، جامع السعادات، ص ۳۶۰.

^۲ . عباس نژاد، قرآن، روانشناسی و علوم تربیتی، ص ۳۵۰.

^۳ . فقیه ایمانی، نقش زبان در سرنوشت انسان، ص ۳۰.

^۴ . بهرامی، منطق تفسیر در نگاره طبرسی، ص ۳۰.

^۵ . توبه: ۷۹.

کسانی که جز به اندازه توانشان نمی‌یابند و آنان را به ریشخند می‌گیرند، خدا آنان را به ریشخند می‌گیرد و برای ایشان عذابی پر درد خواهد بود.

روایات متعددی در شأن نزول این آیه در کتب تفسیری و حدیث نقل شده است که از مجموع آنها چنین استفاده می‌شود که: پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) تصمیم می‌گیرد تا لشکر اسلام را برای مقابله با دشمن آماده سازد به همین دلیل نیاز به کمک مالی داشت، عده‌ای کمک قابل توجهی کردند ولی برخی به دلیل درآمد کم، کمک ناچیزی داشتند. منافقان عیب‌جو به هر یک ایرادی می‌گرفتند. کسانی که زیاد پرداخته بودند به عنوان ریاکار معرفی می‌کردند و کسانی را که ظاهراً کمک کمی کرده بودند به باد استهزاء می‌گرفتند آیه فوق نازل شد و این عمل آنها را نکوهش کرد و عیب‌جویان را از عذاب آخرت بیم داد.^۱

بنابر این خدای متعال این عیب‌جویی منافقان را تقبیح کرده است. منافقانی که هر کار مثبتی را، با وصله‌های نامناسبی تحقیر کرده، و بد جلوه می‌دهند. تا هم مردم را در انجام کارهای نیک دلسرد سازند، و هم تخم بدبینی و سوء ظن را در افکار عمومی بپاشند، تا به این وسیله مؤمنان را از تعاون و فعالیت‌های مفید و سازنده اجتماعی بازدارند. وقتی که مؤمنان از روی صداقت و عقیده صدقه‌ای می‌دادند آنان را به ریاکاری متهم می‌کردند و بر فقرا نیز فقر و پاک‌دامنی‌شان عیب می‌گرفتند.

قرآن کریم قاطعانه این برخورد غیر انسانی آنها را نکوهش می‌کند، و مسلمانان را از آن آگاه می‌سازد، تا تحت تأثیر این گونه القائات سوء قرار نگیرند. و منافقان نیز بدانند که با این نوع برخوردها ره به جایی نخواهند برد. قرآن کریم می‌فرماید: «سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ» (خداوند آنها را مسخره می‌کند). مسخره کردن خداوند به این معنا نیست که خداوند اعمالی همانند آنان انجام می‌دهد، بلکه همان‌گونه که مفسران گفته‌اند: منظور این است که مجازات استهزا کنندگان را به آنها خواهد داد.^۲

^۱. مکارم شیرازی و همکاران؛ تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۵۸-۵۵

^۲. همان، ص ۶۰.

لمزه به معنی عیبجو است. بعضی دیگر همزه را به معنی کسانی که با اشارت دست و سر عیبجویی می‌کنند و لمزه را به معنی کسانی که با زبان این کار را انجام می‌دهند دانسته‌اند. بعضی اولی را اشاره به عیبجویی روبرو، و دومی را به عیبجویی پشت سر می‌دانند؛ ولی از مجموع کلمات ارباب لغت استفاده می‌شود که این دو واژه به یک معنی است، و مفهوم وسیعی دارد که هر گونه عیبجویی و غیبت و طعن و استهزاء به وسیله زبان و علائم و اشارات و سخن‌چینی و بدگویی را شامل می‌شود.^۱

به عقیده برخی این آیه هشداری است به کسانی که غیبت دیگران را می‌کنند و با سخن‌چینی و دو به هم زنی، بذر کینه و حسد و دشمنی را درون ایشان می‌افشانند.^۲

از مجموع کلمات ارباب لغت استفاده می‌شود که این دو واژه به یک معنی است، و مفهوم وسیعی دارد که هر گونه عیبجویی و غیبت و طعن و استهزاء به وسیله زبان و علائم و اشارات و سخن‌چینی و تهدید شدیدی است نسبت به این گروه، و اصولاً «ویل»؛ بدگویی را شامل می‌شود. به هر حال تعبیر به آیات قرآن موضعگیری سختی در برابر اینگونه افراد نموده، و تعبیراتی دارد که در باره هیچ گناهی مانند آن دیده نمی‌شود.^۳

^۱ . مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۳۰۹-۳۱۰.

^۲ . طبرسی، تفسیر مجمع البیان، ج ۱۶، ص ۱۳۶۳.

^۳ . مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۳۱۱.

نتایج

نتایج تحقیق حاضر با عنوان « پیامدهای عیب جویی انسان از دیگران از منظر قرآن کریم » عبارتند از: عیب جویی تفحص و جست وجوی عیوب دیگران و بیان آن عیوب در حضور یا پشت سر کسی است. عیب جویی و طعنه و ریشخند زدن مؤمنان یکی از ویژگی های جریان نفاق است. آنان در برخوردهای اجتماعی شان مؤمنان را به باد تمسخر و استهزاء گرفته و اقدام به عیب جویی، ریشخند زدن و توهین و تحقیر آنان می نمودند. قرآن کریم پیامدهایی را برای عیب جویی برشمرده که شامل دنیوی و اخروی می باشد. مهمترین پیامدهای دنیوی عبارتند از:

- ابتلاء به استهزای خداوند: استهزای خداوند به معنای تخطئه منافقان است؛ عرب هر چه را با چیز دیگری همراه و نزدیک باشد به همان نام می نامد، بدین رو تخطئه نیز استهزا نامیده می شود، خداوند متعال منافقان را تخطئه کرده و آنان را نادان و جاهل دانسته و استهزاء می کند.

- ظلم به نفس: ظلم، یکی از رذایل اخلاقی و مذموم است. قرآن کریم عیب جویی مؤمنان از یکدیگر را زمینه ساز ستم و ظلم به خویش دانسته است.

- محرومیت از هدایت: سعادت و کمال در انسان ها ذاتی نیست، بلکه کمال انسان به سبب اختیار، اکتسابی هستند و حق تعالی با فرستادن پیامبران که دعوت به حق و معارف الهی می کنند و فطرت درونی انسان که بر اساس عشق به کمال مطلق و انزجار از نقص ها سرشته شده، انسان ها را به سوی کمال خود هدایت می کند. قرآن کریم عیب جویی منافقان را زمینه ساز محرومیت آنان از هدایت الهی می داند.

- قرار گرفتن در زمزه فاسقان: از نظر اعتقادی انسان فاسق از ایمان محکم و استواری برخوردار نیست، و گرنه رفتارهای ضد هنجارهای شرعی از خود بروز نمی داد. بنابراین از همین رفتارها می توان دانست که شخص فاسق، انسانی سست ایمان است از این رو قرآن کریم فسق را از پیامدهای دنیوی عیب جویی می داند.

- گسست پایه های برادری: اسلام تمام مسلمانها را به حکم یک خانواده می داند و همه را برادر خطاب کرده است نه تنها در لفظ و در شعار بلکه در عمل و تعهدهای متقابل نیز همه با هم برادرند. بنابراین گسست پایه های برادری یکی از عوامل دنیوی عیب جویی است.

قرآن کریم بیان می کند یکی از اعمالی که بر آخرت تاثیر گذار است، عیب جویی انسان از دیگران می باشد. ازجمله این پیامدها عبارتند از:

- محرومیت از مغفرت خداوند: مقصود از آمرزش بنده به وسیله خداوند، یا این است که حضرت حق در قیامت گناهانش را بپوشاند تا به هلاکت اخروی دچار نشود و یا گناهانش را برای مردم فاش نکند تا رسوا شود. قرآن کریم عدم تأثیر استغفار مکرر پیامبر(صلی الله علیه و آله) را از آثار عیب جویی منافقان دانسته است.

- عذاب اخروی: در قرآن کریم بعد از بیان معرفی افراد عیب جو کننده برای آنان عذاب شدیدی در آخرت در نظر گرفته است.

منابع

• قرآن کریم

• نهج البلاغه

۱. ابن میثم، میثم بن علی، شرح نهج البلاغه ابن میثم، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ چهارم، ۱۳۹۰ ه.ش.
۲. بانو امین، سیده نصرت، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، تهران: فراموشی، چاپ اول، ۱۳۶۱ ش.
۳. جعفری، یعقوب، تفسیر کوثر، قم: هجرت، چاپ اول، ۱۳۷۶ ه.ش.
۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات فی غریب القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داودی، بیروت: دار العلم الدار الشامیة، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
۵. رضایی اصفهانی، محمد علی، تفسیر قرآن مهر، تهران: پژوهش های تفسیر و علوم قرآنی، چاپ اول، ۱۳۸۷ ه.ش.
۶. سیاح، احمد، فرهنگ جامع، تهران: کتابفروشی اسلام، چاپ دهم، ۱۳۳۰ ه.ش.
۷. شفیعی مازندرانی، محمد، پرتوی از اخلاق اسلامی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۲ ه.ش.
۸. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه موسوی همدانی، سید محمد باقر، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ه.ش.
۹. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر مجمع البیان، ترجمه علی کرمی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۰ ه.ش.
۱۰. عباس نژاد، محسن، قرآن روانشناسی و علوم تربیتی، مشهد: بنیاد پژوهشهای قرآنی حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ۱۳۸۴ ه.ش.
۱۱. فقیه ایمانی، مهدی، نقش زبان در سرنوشت انسان، قم: انتشارات اسماعیلیان، چاپ هفتم، ۱۳۷۵ ه.ش.

۱۲. قرائتی، محسن، **تفسیر سوره حجرات**، تهران: موسسه فرهنگی درسهایی از قرآن، چاپ پنجاه و چهارم، ۱۳۹۸ ه.ش.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب، **اصول کافی**، ترجمه جواد مصطفوی، تهران: علمیه الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۹۰ ه.ش.
۱۴. مصطفوی، حسن، **التحقیق**، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۸ ه.ش.
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران؛ **تفسیر نمونه**، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دهم، ۱۳۷۱ ه.ش.
۱۶. موسوی خمینی، روح الله، **آداب الصلاة**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ دوم، ۱۳۸۸ ه.ش.
۱۷. نراقی، مهدی، **علم اخلاق اسلامی، جامع السعادات**، ترجمه جلال الدین مجتبوی، تهران: حکمت، چاپ دوم، ۱۳۶۶ ه.ش.

مقالات

۱۸. امین پور و امین پور، فاطمه و معصومه، "آداب گفتاری حاکم بر سبک زندگی"، شماره ۱۳۹۲، ۱۸۵.
۱۹. بهرامی، محمد، "منطق تفسیر در نگاه طبرسی"، شماره ۲۹، ۱۳۸۱.
۲۰. مصطفی پور، محمدرضا، "روح اخوت و برادری در عوامل حفظ یا گسست آن"، شماره، ۱۵، ۱۳۸۸ ه.ش.